

آغاز سال تحصیلی در سایه سنگین فاجعه کرونا

آموزش رایگان حق همه است

صفحه ۴

رحمان حسین زاده



ما به آموزش پولی اعتراض داریم

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

تجمع سراسری، شنبه سوم مهر
تهران و البرز: مقابل سازمان برنامه و بودجه
مراکز استان: مقابل اداره کل آب
شهرستان‌ها: مقابل اداره آب

سلبریتی، رهبر کارگری،

سنهای طبقاتی

صفحه ۶

سیاوش دانشور

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

۶۱۴

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۲ مهر ۱۴۰۰ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۱

در باره مجمع

عمومی کارگری

بحث پیرامون تشکل کارگری در میان تعدادی از فعالین کارگری به یک نوع مخالفت با مجمع عمومی تبدیل شده است. یک رگه این مخالفت غیر منطقی در واقع یک تمایل سندیکالیستی راست در تقابل با خط مشی و سنت مجمع عمومی - شورائی است. اما رگه دیگر که آشکارا با مجمع عمومی مخالفت نمیکند، استدلالش اینست که مجمع عمومی در وقت اعتصاب شکل میگیرد اما "مجمع عمومی تشکل نیست" و نباید بجای "تشکل کارگری پایدار" در نظر گرفته شود.

تشکل چیست؟

در ایران که تشکل ممنوع است، بحث از "تشکل کارگری پایدار" یک بخود مشغولی صرف است. ما هیچ "تشکل پایدار" و توده ای مستقل از دولت نداریم و آنهایی هم که هنوز اسمشان هست، نه تشکل توده ای هستند، نه برسمیت شناخته شدند، نه حتی توانستند خود را بعنوان طرف حساب کارگران به دولت و کارفرما تحمیل کنند. اگر کسی این تئوری را دارد که نوع معینی از تشکل مستقل از دولت و دربرگیرنده کارگران میتواند بصورت پایدار وجود داشته

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در باره مجمع عمومی کارگری ...

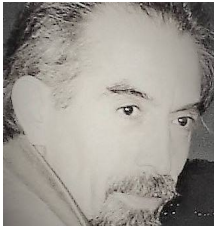
باشد، لطفاً همین را مستدل کند. اگر "مجمع عمومی تشکل نیست"، یا حالتی از تشکل و اتحاد کارگران نیست، اولین سوال اینست که تشکل چیست؟ آیا تصویر این دوستان از تشکل صرفاً شکل اداری و رسمی تشکل است؟ مثلاً اینکه تشکل کارگران معدن دفترش در فلان خیابان واقع است، شماره ثبتش اینست، اساسنامه اش در فلان مجمع تصویب شده و هیئت مدیره اش این افراد هستند؟ اینها جنبه های حقوقی و اداری و قانونی هر تشکلی اعم از شورای اسلامی و نهادهای کارفرمایی هم هستند و ضرورتاً راجع به تشکل کارگری و بویژه نوع "پایدار" آن و روند شکلگیری تشکل کارگری اطلاعاتی به ما نمیدهد.

وقتی داریم راجع به تشکل کارگری حرف میزنیم، در واقع داریم در مورد درجه سازمانیابی و قدرت طبقه کارگر حرف میزنیم و نه ظواهر اداری و بورکراتیک تشکل. در مورد این حرف میزنیم که کارگران به اتکا تشکل شان توانسته اند این درجه اتحاد را میان خود ایجاد کنند و با دخالتگری مستمرشان توانسته اند این درجه عقب نشینی را به کارفرما و سرمایه داران تحمیل کنند. یک وجه و بنیاد اساسی تشکل کارگری خصوصیتی است که افراد ذینفع در تشکل مربوطه دارند و آن چیزی جز قدرتی نیست که کارگران میتوانند در هر لحظه بمیدان بکشند. این قدرت اگر حین اعتصاب و یا تجمع خیابانی بیشتر خود را نشان میدهد، دقیقاً به این دلیل است که در این نقطه توده کارگران قدرت و منافع واحدشان را حس میکنند و با اتکا به آن جلو سرمایه داران می ایستند. اتفاقاً وقتی کارگر تشکل اسمی هم دارد و نمایندگانش مشغول رتق و فتق امور هستند، چنین قدرتی بیان مادی ندارد. کارگر وقتی قدرت خویش را حس میکند که آن قدرت بطور عینی در میدان باشد و برآیند تصمیم جمعی کارگران، قطبمای حرکت باشد. در غیر اینصورت کارگر چه علاقه ای دارد که صرفاً در قلمرو حقوق و قانون صاحب تشکل باشد اما در جامعه نیرو نباشد. واضح است که شکل حقوقی و قانونی برسمیت شناسی حقوق کارگری، و در این بحث حق تشکل، بسیار مهم است. یک سیاست قدیمی ما این بوده که تشکل مان را به دولت تحمیل کنیم و دولت و قانون آنرا برسمیت بشناسد. اما اینجا بحث برسر این اهمیت نیست، بحث برسر محتوای واقعی تشکل و قدرتی است که به توده طبقه کارگر میدهد.

مجمع عمومی تشکل است

مجمع عمومی تشکل است چون بیان قدرتی از طبقه در مقطعی از مبارزه و جدال کارگر با سرمایه دار است. مجمع عمومی تشکل است چون اتحاد کارگر را معنی و توده طبقه را نمایندگی میکند. مجمع عمومی تشکل است چون محمل بروز قدرت اراده جمعی، تصمیم جمعی، تاکتیک جمعی، انتخاب جمعی کارگران است. مجمع عمومی تشکل است چون اتفاقاً اشکال بورکراتیک و فرمال تشکل کمتر در آن معنی پیدا میکند و عمل مستقیم کارگری و شکل واقعی و مادی تشکل به

بهترین وجهی در آن نمایندگی میشود.



وانگهی، مدافعان نظریه "مجمع عمومی تشکل نیست"، علی القاعده باید شورای کارگری را بعنوان تشکل قبول داشته باشند. شورا چیزی جز مجمع عمومی دائر نیست. شورا چیزی جز بمیدان

آوردن اراده جمعی کارگران از طریق مجمع عمومی نیست. رکن اساسی و معرفه سنت شورائی مجمع عمومی است. بدون مجمع عمومی شورا میتواند به اشکالی بورکراتیک و ضد کارگری تغییر ماهیت دهد. آن مکانیسمی که کارگر در شورا میتواند اعمال قدرت کند، یعنی انتخاب کند و انتخاب شود، تصمیم بگیرد و یا تصمیمی را لغو کند، گزارش بدهد و گزارش بگیرد، مجمع عمومی است. این مجمع عمومی است که اصل برابری را میان آحاد عضو تشکل کارگری تامین میکند. حضور مستمر کارگران از طریق مجمع عمومی، مکانیسمی برای حاکم کردن اصل برابری و تقابل با بورکراسی و قدرت مافوق است. مجمع عمومی تشکل است چون پایه هر تشکل توده ای کارگری، ظرف ابراز وجود طبقاتی و بمیدان آوردن اراده توده طبقه کارگر برای اجرای سیاستها و یا لغو آنست.

مجمع عمومی و اوضاع امروز

سندیکالیست ها و سوسیالیست هائی که از تشکل مستقل کارگری حرف میزنند، عمده شوراها را بویژه دوره انقلابی میدانند و براین باروند که مجمع عمومی تشکل نیست و حرف اول و آخرشان سندیکا است، نه تاکنون توانسته اند سندیکاهائی که دربرگیرنده کارگران باشد ایجاد کنند و نه روی خوشی به تحرکات شورائی و مجمع عمومی کارگری نشان میدهند. بخشهای راست تر و قانونگرای این خط در دوره دو خرداد تمام امیدش را به روشن کردن چراغ سندیکا توسط خاتمی بسته بود و امروز هم به کارگران پروژه ای اعتصابی نفت و گاز میگوید در چهارچوب قانون اساسی و ساز و کارهای قانونی و امضا جمع کردن و تجمع نکردن باید خواستههایمان را تعقیب کنیم. این دومی ها بی آبروتر از آنند که راجع به آنها وقت مان را تلف کنیم. اما آن بخشی که سندیکا را اول و آخر تشکل کارگری قلمداد میکند، درکی سیاه و سفید از تشکل دارد. از آنجا که حکومت نه سندیکا و نه شورا را بصورت "پایدار" تحمل نمیکند، و دستکم تجربه عینی دو سندیکای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه جلوی چشم همه است، لذا از نظر ایشان معلوم نیست بالاخره کارگران باید چکار کنند که مبارزه و حقوق شان را دنبال کنند. در سالهای گذشته و اخیر ما با پدیده "فعالین کارگری" روبرو هستیم، فعالینی که عمده یا کارگر نیستند یا اگر کارگر بودند در محیط کار نیستند و برای پیگیری و هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری تلاش کردند. متأسفانه نتیجه کار این دوستان به ایجاد هیچ سایه بانی روی سر کارگران منجر نشد و خوشبختانه لااقل بعد از تجربه دیماه نود و شش بسیاری به این نتیجه رسیدند که وقت شان را تلف کردند و بجای آن باید به مجمع عمومی متکی شوند که کارگران همه جا از آن

در باره مجمع عمومی کارگری ...

استقبال می کنند. خود ترم "فعال کارگری" پدیده غریبی است، دلیل غریب بودن آن اینست که بیرون محیط کار است. یعنی فعال سیاسی اینبار با پسوند کارگری همان سنت ها را بازتولید میکند. ما دهه های متمادی است که از رهبران عملی کارگران حرف زدیم، کسانی که از متن مبارزه کارگری برخاسته اند و آتوریت و نفوذ کلام میان کارگران در محیط کار دارند. فعال کارگری، پدیده ای معکوس و ژنرال بدون ارتش است، روشن است نه میتواند سازمانده اعتصاب باشد و نه درک روشن و زمینی از مبارزه کارگری دارد.

مجمع عمومی تنها راه است

مجمع عمومی شکل مقدور و ممکن تشکل کارگری در اختناق سیاسی و شرایطی است که حکومت سرمایه نفس تشکل را ممنوع کرده و برسمیت نمی شناسد و سرکوب میکند. مجمع عمومی چه قبل از اعتراض و چه وقت اعتصاب و چه بعد آن مطلوبیت دارد. مجمع عمومی عملی است چون بهترین شیوه حفظ امنیت رهبران عملی کارگران است و اعتراض دسته جمعی کارگر را بمیدان میکشد. مجمع عمومی رکن اساسی هر شورای واقعی کارگری است. برپایی مجمع عمومی نه اجازه میخواهد، نه ثبت میخواهد، نه انتخابات میخواهد. کارگران هر وقت تشخیص دهند و نه فقط در دوره اعتصاب، در سالن نهار خوری، صحن کارخانه، موقع ورود و خروج شیفت ها، در پارکینگ، مقال درب ورودی، داخل کارگاه جمع میشوند. واضح است که برای هر کدام از این اجتماعات قیلتز لایه ای از رهبران عملی تلاش لازم را انجام داده اند تا این اجتماع ممکن شود. باز هم واضح است که این شکل مجمع عمومی با مجامع عمومی ای که توسط کارگران یک مرکز صنعتی در شرایط و تناسب قوای بازتری برپا میشود و تشریفات و زمان و دستورات دقیق دارد فرق میکند. در این شکل دوم خود تشکل کارگری به دولت تحمیل شده و برگزاری رسمی و از قبل اعلام شده مجمع عمومی یک بیان تناسب قوای جدید است.

تجربه اعتصاب کارگران پروژه ای نفت و گاز و پتروشیمی و

رویارویی گرایشات و سنتهای سیاسی بسیار گویا است. در این زمینه باید بدتر نوشت، اما برگزاری مجامع عمومی در مقطعی از اعتصاب علیرغم تلاشهای وافر دیگر خطوط برای خانه نشین کردن کارگران، روشن ترین نقطه قوت این اعتصاب بود. برگزاری این مجامع باشکوه نشان داد که کدام سنت مبارزاتی جوابگو است. امروز مجمع عمومی به وجه ثابت هر اعتراض و تجمع کارگری بدل شده و کارگران قهرمان هفت تپه بویژه نشان دادند که کدام سنت مبارزاتی جوابگو است. با اینحال هنوز عده ای متأسفانه نه میخواهند ببینند و نه میخواهند بشنوند و بدتر از آن علیه این مبارزه و رهبران آن سمپاشی میکنند.

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید

در شرایط و تناسب قوای کنونی، گرایش ما و کارگران کمونیست نه منتظر بهتر شدن تناسب قوا میمانند، نه چشم به کسی و جریانی در بالا و سازمان جهانی کار دوخته اند، و نه تسلیم اختناق سیاسی میشوند. ما راساً برای تغییر این وضعیت تلاش میکنیم. ما نمیتوانیم از مبارزه واقعی و روزمره طبقه کارگر انتزاع کنیم. پاسخ روشن و عملی ما برپایی مجمع عمومی و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی است. یک جنبش مجمع عمومی در مراکز مهم کارگری یعنی وجود بالقوه دهها شورای کارگری قدرتمند و عروج یک جنبش رادیکال و توده ای کارگری. کارگران کمونیست و پیشرو باید آگاهانه به مجمع عمومی دامن زنند و مطلوبیت آنرا در شرایط کنونی برای دیگر گرایشات و رهبران عملی کارگران توضیح و جا بیاندازند. این سنت نه فقط جوابگو است بلکه امنیت رهبران کارگری را به بهترین شکل ممکن حفظ میکند و این بسیار مهم و حیاتی است. سندیکالیسم حتی نمیتواند رهبران را از چنگ خونین اختناق دور کند. سنت فرقه ای چپ رادیکال نیز چنین توانی در حفظ سرمایه های جنبش کارگری ندارد. یک سیاست مسئولانه کمونیستی اما هم سیاست و سنت رادیکال کارگری را بجلو میراند و همراه آن مرتباً به دامنه تشکل و اتحاد و قدرت کارگران می افزاید، و هم با استفاده از تاکتیک های درست و سنت اعتراض جمعی و توده ای کارگری امنیت رهبران عملی کارگران را حفظ میکند، و هم به تربیت و آموزش لایه های جدیدی از رهبران کارگری کمک میکند.

سردبیر.



آغاز سال تحصیلی در سایه سنگین فاجعه کرونا

آموزش رایگان حق همه است

رحمان حسین زاده



را به امر خود تبدیل میکنند.

علاوه بر تحمل فقر و نداری، واقعیت تلخ دیگر اینست که چهار دهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، دانش آموزان و دانشجویان ایران را با این پدیده متناقض روبرو کرده، که در کنار تلاش برای فراگیری دستاوردهای علمی و اجتماعی و

فرهنگی و آموزشی شایسته انسان امروز، همزمان با جهل و خرافه و افکار و عقاید قرون وسطایی اسلامی که در قالب درس و آموزش بر محیط های آموزشی و نسل جوان تحمیل شده، دست و پنجه نرم میکنند. این مسئله، مصافی بوده و هست که دانش آموزان و دانشجویان به آن تن نداده اند و این جدال هر ساله و امسال هم ادامه پیدا میکند. علیرغم کلی فشارها و تضییقات در این عرصه، جمهوری اسلامی نتوانسته است نسل جوان پرتوقع و کنجکاو جامعه ایران را که به آسانی به دستاوردهای دنیا ی مدرن امروز دسترسی پیدا کرده، به تمکین بکشاند.

در تقابل با کلیت این اوضاع یعنی علیه فقر و تبعیض و نابرابری، در مقابل تقلای مستمر جمهوری اسلامی برای تحمیل جهل و خرافه بر مدارس و دانشگاهها و کالایی کردن آموزش، به طور واقعی محیط های آموزشی و به ویژه دانشگاهها همیشه کانون گرم مبارزات حق طلبانه بوده اند. مبارزات سراسری معلمان در سالهای اخیر و همین روزها علیه شرایط بد آموزشی و فضای مختنق، علیه تبعیض و نابرابری، علیه حقوقهای پایین و کالایی کردن آموزش... تجربه مهم مبارزه بخش موثری از اردوی کار ایران در مدارس و محیط های آموزشی است. با اتکا به تجارب دوران اخیر، گسترش مبارزات معلمان و دانش آموزان و دانشجویان در صنفی واحد در چشم انداز است.

نسل جوان در دانشگاههای ایران، همیشه صف پیشرو آزادیخواهی و مبارزه علیه اختناق، سرکوب، تحقیر و تبعیض و بی امکاناتی را علیه ارتجاع حاکم شکل داده است. چه در دوره سلطنت و چه در همه دوران حاکمیت جمهوری اسلامی نسل جوان ستون محکم مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی و رادیکال و میلیتانت علیه استبداد حاکم بوده است. در ۴۰ ساله اخیر دهها هزار دانشجو طعم اعدام و زندان و شکنجه و احضار و اخراج و ستاره دار شدن را توسط حکومت جمهوری اسلامی چشیده اند و به جرم مخالفت با ارتجاع حاکم، به جرم دفاع از آزادیهای سیاسی سرکوب شده اند. جمهوری اسلامی با علم به این حقیقت که دانشگاه یکی از کانونهای پرتیش جامعه است، تلاش کرده است با سرکوب آن کل فضای جامعه را مختنق نگاه دارد. در دهه هشتاد شمسی شاهد جدال وسیعی در دانشگاههای ایران بودیم. نسل جوان کمونیست و برابری طلب به عنوان پرچمدار آزادیخواهی و برابری طلبی در تجربه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) قد علم کرد، فضای دانشگاهها را در دست گرفت، جریانات ارتجاعی از انجمنهای اسلامی و تحکیم وحدت، تا گرایشات ناسیونالیستی و لیبرالی را حاشیه ای کرد و پرچم آزادی و برابری را به اهتزاز درآوردند. این تحرک انسانی، اعتراضی که تا اعماق جامعه اثر کرد، توجه طبقه کارگر ایران و زنان و جوانان آزادیخواه را به خود جلب کرد و در دل کشمکشی خونین در آن مقطع سرکوب شد. اما همگامی اعتراض دانشجویی از مقطع دیماه ۹۶ با کل حرکت اعتراضی رادیکال جامعه، نشان داد پایه های جنبشی ماندگار بنا نهاده شده که دوباره خود را آماده کرده و

سال تحصیلی امسال در ایران زیر سایه سنگین و کشنده فاجعه کرونا و حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی شروع شد. در شرایطی که در بسیاری از کشور های دنیا با به سرانجام رساندن واکسیناسیون همگانی فاجعه کرونا را به درجه بالایی مهار کردند، اما جمهوری اسلامی و در راس این حاکمیت مخوف شخص خامنه ای جنایتکار با ممنوع اعلام کردن ورود واکسنهای موثر قتل عام جمعی را بر مردم ایران تحمیل کرد. یکی از نتایج مخرب و ضد انسانی آنرا در عرصه آموزش و در آغاز سال تحصیلی می بینیم. طبق گفته مقامات جنایتکار در روز اول مهر از چهارده میلیون دانش آموز و تحصیل کرده که می بایست در محیط های آموزشی حضور یابند، تنها یک میلیون و نیم کلاس اولی های ابتدایی در کلاسهای درس حضور پیدا کرده اند. نگرانی همه خانواده ها و مردم این واقعیت تلخ است، که هنوز بیشترین نوجوانان و جوانان و حتی معلمان و کارکنان عرصه آموزش و پرورش واکسینه نشدند. به همین دلیل بسیاری از خانواده ها محروم شدن از تحصیل فرزندان را بر فرستادن آنها به محیط آموزشی که به جای فراگیری درس و آموزش متأسفانه میتواند، مرگ فرزند دلبندهشان را به همراه داشته باشد، ترجیح میدهند. آغاز سال تحصیلی امسال سند دیگری بر جنایت پیشگی جمهوری اسلامی و خامنه ای جلاد مسئول قتل عام جمعی کرونا و تاکید مجددی بر این حکم و اراده مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

اما علاوه بر درد و رنج و نگرانی از نتایج مرگبار کرونا، این تاسف و درد عمیق بر فکر و نلمان سنگینی میکند که همزمان در ابعاد بسیار وسیع و حتی میلیونی، نوجوانان و جوانانی هستند که به دلیل فقر و نداری و بی بضاعتی نمیتوانند همراه هم سن و سالهایشان به تحصیل بپردازند. از مدتی قبل و در آستانه اول مهر دغدغه و نگرانی میلیونها خانواده کارگری و مردم زحمتکش این واقعیت تلخ است که چگونه امکانات روانه کردن فرزندانیشان را به مدرسه و آموزش مهیا کنند و بسیاری توانایی تامین هزینه شهریه های سنگین و نوشت افزار و دیگر ابزار و وسایل آموزش، مسکن و معیشت فرزندانیشان را به ویژه که دور از محیط خانواده خود زندگی کنند، ندارند. این در شرایطی است که خود مقامات و رسانه های جمهوری اسلامی اذعان دارند که دولت فاقد برنامه ای برای تامین هزینه آموزشی تحصیلکردگان است و آمارهایی که پیشرفته خودشان از کمبود مدارس و معلم، افزایش سرسام آور هزینه شهریه و نوشت افزار، وسعت مدارس کپری و زیر چادری و خشت و گلی و ناامن، دو شیفته و مواردی سه شیفته بودن مدارس ارائه میکنند، تکان دهنده و مایه ننگ و نفرت حاکمیت جمهوری اسلامی است. بخش وسیعی از دانش آموزان و دانشجویان در حال تحصیل، با فقر و محدودیت مالی فشار این دوره را طی میکنند. این وضعیت ناشی از سيطرة نظم وارونه سرمایه و جمهوری اسلامی و تبعیض و نابرابری و فقر و نداری تحمیل شده این سیستم جهمی است. به همین دلیل بسیار زود بخش وسیع نسل جوان به ماهیت طبقاتی و استثمارگرانه این نظم پی میبرند و جوانه های مبارزه جویی و تصمیم به دگرگون کردن و تغییر این نظم وارونه

آغاز سال تحصیلی در سایه سنگین فاجعه کرونا آموزش رایگان حق همه است ...

با اندکی فضای مساعد بسیار قدرتمندتر پا به صحنه میگذارد. سربرآوردن مجدد تحرک اعتراضی از درون دانشگاهها و اعلام شعار درخشان (اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا) در جریان اعتراض دی ماه ۹۶ دانشگاه تهران و عرض اندام محکم تحرک دانشجویی در روز ۱۶ آذر (روز دانشجو) پتانسیل امید بخش جنبش اعتراضی نسل جوان را همگام با جنبش کارگری و جنبش سرنگونی به خوبی نشان میدهد. انتظار اینست امسال، جنبش و مبارزه برحق در دانشگاه و محیط های آموزشی و در جنبش معلمان با خودآگاهی و سازمانیافتگی و اتحاد محکم فعالین آزادیخواه و برابری طلب استحکام و گسترش یابد. به ابتکار شبکه خودآگاه و به هم پیوسته فعالین و محافل کمونیستها و آزادیخواهان و برابری طلبان به مثابه جنبش متمایز و قدرتمند در برابر جمهوری اسلامی قد علم کند. در خاتمه، امیدوارم سال تحصیلی جدید فرصتی باشد که دختران و پسران، نسل جوان سرزنده و پرتوقع و بالنده جامعه ایران با پس زدن همه مشکلات و نگرانیهای موجود، بیشترین موفقیتها را در عرصه تحصیل و در ابعاد متنوع زندگی کسب کنند.

از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانۀ زیلابی وکیل شرافتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانۀ زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه مصیبتانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شرافتمندی است که از مردم کارگرو زحمتکش دفاع می کنند. از فرزانۀ زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت
Worker-communist Party of Iran - Hekmati



COVID-19
Vaccine

رایگان
استانداردهای
جهادش جهانی
برای همه

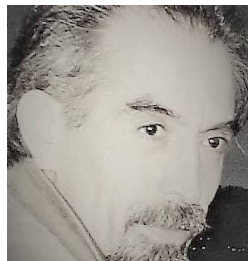
واکسیناسیون رایگان

با استانداردهای بهداشت جهانی،

حق فوری کلیه ساکنین ایران است!



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست



سلبریتی، رهبر کارگری، سنتهای طبقاتی

سیاوش دانشور

سلبریتی و جامعه بورژوازی

بورژوازی و لیبرالیسم کلاسیک تا مکاتب مختلف آن همواره از اصالت فرد سخن گفته اند. ایندویدالیسم و فردگرایی و اصل اصالت فرد در ایدئولوژی بورژوازی در مقابل اصل اصالت انسان و سوسیالیسم در قلمرو حقوق فردی و اجتماعی و اقتصاد و سیاست و فرهنگ طرح شده است. سلبریتی در دنیای امروز ایندویدالیسم تکامل یافته است که فردگرایی و فرد اتمیزه را تقدیس میکند. ما در جامعه ای زندگی میکنیم که علیرغم انقلابات صنعتی و تحولات تکنولوژیک و بارآوری کار، در بر همان پاشنه سابق می چرخد. کار مزدی و بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و استثمار فرد از فرد، ستون فقرات این جامعه است. امروز نفس ماندن در متن جامعه با سرعت تحولات تکنولوژیک یک سوال نسلی است. کسانی که نتوانستند خود را با نیازهای بازار و دانش تکنولوژیک و تحولات سرمایه داری هماهنگ کنند، از موضع سرمایه جزو "بی مصرف ها" و "مازاد جمعیت" محسوب میشوند و باید بگونه ای از "شر" شان خلاص شد. از آنجا که همیشه بعنوان نیروی کارکن محتاجیم و هیچوقت نمی توانیم نفس راحتی بکشیم، یک بخش از وجودمان شده آرزو کردن! آرزوی اینکه خوشبخت باشیم، آرزوی اینکه یکروز مثل استارها باشیم، مثل آبر انسان ها! اینکه عقاید مهجور و انواع فرقه های مذهبی و بیربط به زندگی واقعی و مادی و معنوی بشر مجال رشد می یابند، همین گسترش فاصله واقعیت بیرونی با آمال و آرزوهای انسانی است. خوشبختی برای اکثریت بالائی از مردم کره ارض همان معنای قدیمی را دارد؛ یعنی در آسایش بودن، سالم بودن، رفاه و امنیت داشتن، برخورداری از آموزش، مورد قبول واقع شدن در جامعه، حقوق داشتن، برابر بودن، ناعدوستی، هارمونی بین انسان و طبیعت، لذت بردن و مفید بودن، دنیا و انسانهایش را دیدن، سهمی گذاشتن در جامعه. اینها برای اقلیتی یک درصدی که بیش از هشتاد درصد ثروت و امکانات دنیا را در اختیار دارند عمدتاً پیش و پا افتاده است و خود بانی وضع نابسامان امروز جهانند. خوشبختی و احساس خوشبختی برای این اقلیت ناچیز در مخیله کسی نمی گنجد، با اینحال آش بحدی شور است که بورژوازی نیاز دارد هرازگاهی به آمال دیرپاتر بشر چنگ بزند و با همین سلبریتی ها ادای "نوعدوستی" در بیاورد.

زمانی که سوسیالیسم در جهان هژمونی داشت، کم ستاره و سلبریتی نبود که بضع جنبشی برای تغییر جهان تلاش میکرد. امروز عمدتاً در خدمت منافع دولتهای سرمایه داری کار می کنند. در ایران سلبریتی مثل هر پدیده دیگر، بدلی تر و کاسه لیس قدرت و ارتجاع سیاسی است. سلبریتی های ما عمدتاً یا "سگ امام حسین" اند یا مجیزگوی خامنه ای و حاج قاسم، یا مثل اکثر ادبا و شعرا و هنراندان اپورتونیست نان در خون جوانان میزنند تا سوبسید بگیرند. در ایران سلبریتی نشان بی عاری و بی مسئولیتی و ضدیت با مردم گرسنه است. هر کسی که پایش به دو برنامه تلویزیونی افتاد یا در مسابقات فوتبال چند گل زد، میشود سلبریتی یا اصرار دارد سلبریتی معرفی شود. سلبریتی در ایران شده

رفیق کارگری درد دل میکرد که مشکل ما یکی دو تا نیست، غم نان شب و خانواده بیمار و فقر کم بود که حالا باید جواب دلخوری این و آن را هم بدهیم. میگفت: آشنائی زنگ زده و گفته خیابان دیدمت، سلام کردم، رد شدی و جواب ندادی، ناراحت شدم، بعد پیش خودم گفتم خب آدمها که سلبریتی میشوند دیگر دوستان سابق را نمی شناسند. رفیق کارگرم توضحیح داده بود که سوء تفاهم شده، اشتباه می کنید، در منگنه مشکلات دارم له می شوم، فکرم مشغول گرفتاری های بی پایان است، چشمم نمی بیند، درک کنید!

این تصور و واکنش البته تعجبی ندارد. فضای عمومی جامعه به لطف سوشیال میدیا همین است. میان کارگران و چپ ها کم و بیش تصور مشابهی وجود دارد و رهبران عملی سرشناس کارگران را با "سلبریتی" ها یکی می گیرند و چه بسا برای سلبریتی شدن و کسب شهرت فردی مسابقه می گذارند. عجیب هم نیست، هر اندازه خلاف جریان باشیم و به وجود فرهنگ آوانگارد و ضد سیستم قائل باشیم، فرهنگ مسلط جامعه فرهنگ طبقه حاکم است.

سلبریتی

سلبریتی یک واژه قدیمی انگلیسی است که از زمانی دور برای افراد مشهور و سرآمدان قلمروهای ورزشی، هنری، سیاست، ادبیات، مُد و فشن، علوم و اکتشافات، رسانه و غیره کاربرد داشت. ستارگان پاپ و راک و رگه های مختلف موزیک، فوتبالیستهای "پا طلانی" و ورزشکاران پرآوازه، هنرپیشه های معروف و بعدتر سوپر استارهای هالیوود، میان مردم "عادی" مورد توجه و الگو بودند، هواداران برایشان غش میکنند و یک عالمه کشته و مرده دارند. بویژه با انقلاب انفورماتیک و شبکه اینترنت و تغییرات شگرفی که در روابط انسانها بوجود آورد، سلبریتی مفهومی گسترده تر پیدا کرد. با پدیده اسمارت فون در دنیای سوشیال میدیا با شاخ های توییتری، اینستاگرامی، تلگرامی و غیره روبرو هستیم. اگرچه میدان رقابت جهانی سلبریتی ها وسیع تر است اما میشود به ضرب پول و روبات و اقدامات جنجالی وارد این بازار شد. بمجرد اینکه از حدی عبور کردید، میزان لایک و قلب های دریافتی و تعداد فالوورها خود شاخص پیشرفت و رقابت در مسیر سلبریتی شدن است. این خودش یک سرمایه معنوی است که اساساً در خدمت تجارت واقعی یک سلبریتی قرار میگیرد. این مانند یک "نفس مسیحائی" است که به فرد جان و نیرو می دهد تا آنرا در خدمت ثروتمندتر شدن بکار گیرد، یکروز ممکن است مثل توپ قفللی بالا رود و یکروز مانند باران بهاری پائین بیاید. سلبریتی برای بقا باید تولیدکننده دائم نیاز فالوورها و هواداران باشد و گرنه مانند قیمت سهام در تابلوهای بازار بورس، نرخش میتواند ثنیه ای بالا و پائین برود. سلبریتی شدن و سلبریتی ماندن هزینه و کار میخواهد، درست مثل تولید و عرضه هر کالا در بازار.

سلبریتی، رهبر کارگری،

سنت‌های طبقاتی ...

بادکنکی که با باد کردنش طرف احساس شخصیت و هویت میکند. برخی که تا دیروز کسی جواب سلامشان را نمیداد، بدون چند نفر سکیوریتی و بادیگارد بیرون نمیروند که مبادا مورد تهاجم "مردم عادی" قرار بگیرند!

سلبریتی‌ها تنها محصول حاکمیت و فرهنگ بورژوازی نیستند، خود ما هم در ایجاد و ارتقای آنها نقش داریم. بله، ما هم بسهم خود خالق سلبریتی‌ها هستیم، درست مثل ثروت سرمایه داران. ما کارگران هر روز سرمایه را از طریق کار اجتماعی فربه تر میکنیم و هرچه این سرمایه قویتر می شود خودمان ضعیف تر می شویم. سپس به سجده آنچه که خود ساخته ایم می نشینیم و آرزوی "او شدن" می کنیم. این هم برای خودش مذهبی است! سلبریتی محصول و یک کالای جامعه بورژوازی است، حاصل تکامل فردیت در ایدئولوژی بورژوازی و منطبق با تحول و تکامل سرمایه داری است. سلبریتی نماد شکاف عمیق فرد و جامعه، بیان جدائی مفرط انسان از همنوع خویش، شکلی پیشرفته از خود بیگانگی انسان در جامعه سرمایه داری است.

رهبران کارگری سلبریتی نیستند

کارگران سلبریتی ندارند. رهبران کارگری محصول سوخت و ساز مبارزه جنبش طبقه کارگرند و بدون طبقه و درخود صرفاً یک شهروند محسوب می شوند. رهبر کارگری ژنرال بدون ارتش نیست، عنصر بیرون مبارزه جاری کارگری نیست، سازمانده و فعال مبارزه واقعی و اصیل کارگری است. سرمایه بدون سلبریتی هم با استثمار نیروی کار خودافزایی میکند، اما رهبران کارگری بدون جنبش طبقه کارکردی ندارند. فرد بورژوا عضوی از طبقه اش است و آزادی و رقابت وی در بازار جزو قانون اساسی سرمایه است، اما فرد کارگر هیچ قدرتی ندارد و پشتوانه رهبر کارگری قدرت متشکل طبقه اش است. بورژوازی به امتیزه کردن انسانها در کنج انزوای خویش برای تداوم حاکمیت طبقاتی نیازمند است اما جنبش طبقه کارگر بدون اتحاد و سازمان کارگری امکان هیچ تحرکی ندارد. جنبش کمونیستی طبقه کارگر انکار کل اوضاع موجود و محصولات اصلی و فرعی آنست. سوسیالیسم جنبشی برای آزادی از انقیاد و سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی نظم موجود است. سلبریتی بودن یا سلبریتی شدن با گروه خون ما کارگران و جنبش طبقه در تناقض عمیق است. در نظام سرمایه داری، فرد سرمایه دار و مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید محور جامعه است. هرچه سرمایه ات بیشتر و گردن کلفت تر باشید، آزادی عمل فردی بیشتر و لاجرم قدرت و شهرت بیشتری دارید. در جنبش طبقه کارگر همین روال به جدائی رهبران عملی از طبقه و حل شدن در مکانیزمهای قدرت حاکم منجر میشود.

رهبر کارگری "سلبریتی" نیست، سخنگوی منافع جنبش واقعی و زنده کارگری است. فرد سرمایه دار و سلبریتی فقط منفعت خودش را دنبال میکند. سلبریتی دنبال شهرت فردی و هورا کشیدن و تشویق است و با اینها اوج میگیرد. او معتاد این انرژی کاذب است چون شخصیت

انسانی اش را سرمایه گرفته و به بیلبوردی تبلیغاتی بدل کرده است. برای کارگر مسئله تماماً متمایز است، کارگر نیازمند آزادی فردی و اجتماعی و رهائی از یوغ سرمایه به مثابه یک طبقه است. سلبریتی شدن کارگر یعنی بازی کردن در زمین و چهارچوب سیاسی - ایدئولوژیک سرمایه داران. رهبر عملی کارگری هنوز یک کارگر است، بدون امتیاز خاصی، بدون حقوق اضافی و حتی با مخاطرات بیشتر. سخنگوی یک اعتصاب قدرتش را از نیروی کارگران اعتصابی میگیرد و بدون پشتوانه نیروی کارگران هیچ قدرتی ندارد. رهبران کارگران در هر دوره نمایندگان منافع جمعی کارگران و جنبش طبقه شان هستند، "سلبریتی" نیستند، نمی توانند باشند. رهبران کارگری و کمونیست هم در جامعه مشهور می شوند اما هر گردی گردو نیست، این اعتبار و شهرت مشروط و مقید به منافع طبقه است. سلبریتی گفتن به کارگر قبل از اینکه نشان احترام باشد یک توهین به رهبر کارگری و تقلیل جایگاه و شخصیت سیاسی وی است. متقابلاً جنبش طبقه کارگر بدون صفی از نمایندگان و پیشروان مورد اعتماد و وثوق کارگران مادیت نمی یابد و از معنی تهی میشود. رهبران مبارزات کارگری هم بدون اتکا به منفعت جمعی طبقه و قدرت کارگران معنی ندارند. این دو از هم غیرقابل تفکیک اند.

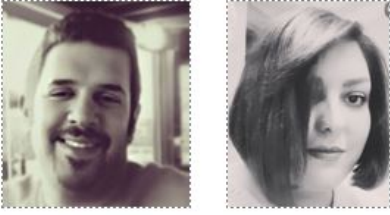
سلبریتی قدرتش فردی است و با غش و ضعف عده ای شارژ می شود، رهبر کارگری باید هر دقیقه فکر کند که من مسئولیت دارم، چطور رفتار کنم که منافع جمعی رعایت شود. هر جا رهبری یک حرکت کارگری از بدنه دور میشود، مانند سری که از تن جدا شده، هر دو به هم بی ربط می شوند. برای سرمایه داران کاملاً برعکس است. آنها میخواهند فرهنگ و سیاست خودشان را در جامعه و در میان کارگران جا بیاندازند. سلبریتی بازی میان کارگران دشمن اتحاد کارگری است و جنبش طبقه ما را از سنتهای مبارزه کارگری برای تحقق منافع طبقاتی دور میکند. سنت شورائی و رجوع به توده کارگران، آن سنگر محکمی است که به سلبریتی بازی مجال بروز نمیدهد. ما ضمن احترام به فردیت و آزادی و حریم شخصی و برسمیت شناختن آن، روی ریل منفعت جمعی و طبقاتی حرکت میکنیم. ما هم یک شهروند مملکت هستیم و بصورت فردی نیز هویت داریم. فرد کارگر اما ضعیف ترین موجود است چون سرمایه داری این موقعیت را به ما تحمیل کرده است. قدرت ما در باهم بودن، در اتحادمان، در منفعت واحد، در برابری و در طبقه بودن است. رهبران کارگری تنها در این چهارچوب معنی دارند.

نمایندگان کارگران سلبریتی نیستند، با این لقب به آنها بی احترامی نکنید، کارگران را به این بازی بورژوازی نکشانید. هر کدام ما یکی از میلیونها هستیم که پیام اتحاد طبقاتی داریم و هرکسی که عملاً تجسم آنست، میان ما احترام و آتوریته اش بیشتر میشود. درست مانند تمام رهبران جنبش طبقه ما در کل تاریخ جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر.

۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

استخدام شرکت مینا و شرکت‌های پیمانکاری هستند که با وعده‌ی افزایش دستمزد بر مبنای لیست مزدی کارگران و تغییر نوبت کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت به سر کار بازگشته بودند اما با خلف وعده‌ی کارفرما امروز دوباره دست به اعتصاب و تجمع زدند.

تجمع مجدد کارگران غیرنیشکری شرکت هفت‌تپه

روز شنبه ۲۷ شهریورماه جمعی از کارگران غیرنیشکری شرکت هفت‌تپه مقابل درب مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند. کارگران غیرنیشکری با چندین سال سابقه از کار اخراج شده‌اند و خواهان بازگشت به کار و تبدیل وضعیت هستند.

تجمع کارگران شهرداری کوه عبدالله مقابل استانداری خوزستان

روز شنبه ۲۷ شهریورماه جمعی از کارگران شهرداری کوه عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و بیمه مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران شهرداری دهدشت مقابل فرمانداری

روز یکشنبه ۲۸ شهریور کارگران خدمات شهری شهرداری دهدشت در اعتراض به محقق نشدن وعده‌های مسئولان در وصول مطالباتشان جلوی فرمانداری کهگیلویه تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی واحد اجراییات شهرداری اهواز

کارگران اخراجی واحد اجراییات شهرداری اهواز برای چندمین بار در اعتراض به اخراج خود مقابل ساختمان شورای شهر اهواز دست به تجمع زدند. این کارگران خواستار بازگشت به کار خود هستند.

۷ ماه حق بیمه کارگران شهرداری سنندج پرداخت نشده است

کارگران شهرداری سنندج در بخش خدمات شهری و فضای سبز با مشکل بیمه درمانی مواجه شده‌اند. شهرداری سنندج و شرکت‌های پیمانکاری آن از ۷ ماه گذشته حق بیمه کارگران را پرداخت نکرده‌اند. این موضوع پس از آن برای کارگران مسجل شد که هنگام مراجعه به مراکز درمانی از عدم اعتبار بیمه‌های درمانی خود با خبر شدند.

تجمع کارگران پیمانی ۴ خط متروی تهران مقابل شورای شهر

روز سه‌شنبه ۳۰ شهریور جمعی از کارگران پله برقی خط یک، دو، چهار و پنج مترو تهران در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند. این کارگران نسبت به تعویق سه ماهه در پرداخت حقوق، سنوات، حق بیمه و عیدی سال ۹۹ از سوی شرکت پیمانکار اعتراض دارند.

اعتصاب مجدد کارگران پروژه‌های شاغل در فاز ۱۴ پارس جنوبی
روز ۲۷ شهریورماه کارگران شاغل در شرکت‌های مستقر در بخش توسعه‌ی فاز ۱۴ عسلویه مجدداً دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر مینا تجمع کردند. این کارگران پیشتر و با قول مساعد پیمانکاران مبنی بر قبول شرایط کارگران به سر کار بازگشته بودند اما اینک و با خلف وعده از سوی پیمانکاران دوباره دست از کار کشیدند. کارگران خواستار عقد قرارداد جدید با افزایش دستمزد بر اساس لیست مزدی پیشنهادی خود و تغییر نوبت کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند و پیمانکارانی از جمله شرکت استیم با وعده اجرای این خواست‌ها کارگران را به سر کار بازگردانده بودند. اما در روزهای اخیر به کارگران اعلام کرده‌اند که دستمزدها را ۱۵ درصد افزایش داده و تغییری نیز در نوبت کاری صورت نخواهد گرفت که کارگران امروز در اعتراض به این خلف وعده دوباره دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر کارفرما تجمع کردند.

اعتصاب مجدد کارگران پروژه‌های شاغل در پتروپالایش کنگان

روز شنبه ۲۷ شهریورماه کارگران شرکت پیمانکاری پارس قدرت شاغل در پتروپالایش کنگان نیز مجدداً دست به اعتصاب زدند. این کارگران پیشتر و با قول مساعد پیمانکاران مبنی بر قبول شرایط کارگران به سر کار بازگشته بودند اما اینک و با خلف وعده از سوی پیمانکاران دوباره دست از کار کشیدند. کارگران پروژه‌های نفت خواستار افزایش دستمزد بر طبق لیست مزدی پیشنهادی خود کارگران و تغییر نوبت کاری به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی بندر امام مقابل این شرکت

روز شنبه ۲۷ شهریور جمعی از کارگران پتروشیمی بندر امام در اعتراض به اقدام این شرکت نسبت به قراردادن وضعیت و انتقال ۳۰۰ نفر از پرسنل به زیر نظر شرکت عملیات غیرصنعتی بندر ماهشهر، مقابل پتروشیمی بندر امام دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران مذکور با سابقه بیش از ۱۰ الی ۱۵ سال، خواستار بازگشت خود به شرکت مادر هستند چرا که این انتقال موجب حذف برخی مزایا مانند پاداش تولید و کاهش دریافتی‌های کارگران شده است. تا روز چهارشنبه سیزدهمین روز اعتصاب کارگران بوده و خواست آنها بازگشت به شرکت مادر یعنی پتروشیمی بندر امام است.

اعتصاب مجدد کارگران پروژه‌های شاغل در نیروگاه غرب کارون

روز چهارشنبه ۳۱ شهریورماه کارگران پروژه‌های شاغل در شرکت تولید برق غرب کارون در اعتراض به خلف وعده کارفرما مجدداً دست به تجمع و اعتصاب زدند. کارگران شاغل در این نیروگاه در

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

آموزان! رسیدگی به خواسته های کارنامه سبزا! خرید خدمات آموزشی نهضت سواد آموزی! خدمتگذاری مربیان پیش دبستانی! تجمعات در تهران و البرز مقابل سازمان برنامه و بودجه. شهرستانها جلو مراکز استانی.

ادامه تحصن شبانه کارنامه سبزاها

تا روز پنجشنبه اول مهر، کارنامه سبزاها در بیستمین روز تجمع اعتراضی مقابل وزارت آموزش و پرورش بودند. قبولشدگان آزمون استخدامی سال ۹۹ آموزش و پرورش که اصطلاحاً کارنامه سبزا نامیده میشوند برای بیستمین روز متوالی در اعتراض به عدم استخدام خود مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع برگزار کردند. این تجمع کنندگان خواهان استخدام در آموزش و پرورش هستند. جمعهایی از این تجمع کنندگان که از شهرهای مختلف کشور به تهران آمدهاند تحصنهای شبانه نیز دارند و طول شب را نیز در همان محل مقابل وزارتخانه سپری میکنند.

بازنشستگان

مطابق با یکشنبه های اعتراضی روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان مقابل ساختمان این صندوق در اهواز تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند.

مرگ یک کولبر بر اثر ایست قلبی

بر پایه خبر منتشر شده شامگاه روز جمعه ۲۶ شهریورماه یک کولبر میانسال حدوداً ۴۵ ساله و اهل روستای زاور از توابع نودشه با نام شوکت قربانی، پس از اینکه در کمین نیروهای نظامی گرفتار می شود بر اثر فشار ناشی از ترس و اضطراب دچار ایست قلبی شده و جانش را از دست می دهد.

راهپیمایی اعتراضی جوان معلول از مریوان تا تهران

روز چهارشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۰ فعال محیط زیست کامران دوپلوره ای که در زمان کولبری هر دو پای خود را از دست داده است، با دو پای مصنوعی و یک ویلچر اقدام به آغاز راهپیمایی اعتراضی مسافت ۷۰۰ کیلومتری از شهر مریوان تا مقابل مجلس در تهران کرده است. راهپیمایی وی در اعتراض به تداوم کشتار کولبران، وضعیت اسفبار محیط زیست و نابودی محیط زیست در شهرهای کردستان و تخریب درختان زاگرس و وضعیت نامناسب حمایت از شهروندان معلول انجام میگیرد.

وی تاکنون بیشتر از ۲۰ بار مورد عمل جراحی بر روی هر دو پا قرار گرفته است. به گفته فعالان محیط زیست زاگرس این شهروند به دلیل شرایط جسمانی در طی این مسیر طولانی با مشکلات زیادی روبهرو می شد و هر قدمی که برمیداشت سلامتی خود را به خطر می انداخت. از این جهت علی رغم برحق بودن اعتراض آقای دوپلوره ای آنها او را از طی کردن این مسیر طولانی منصرف کردند.

حال امیرحسین مرادی، زندانی سیاسی وخیم است

بابک پاکنیا وکیل دادگستری با انتشار یادداشتی در صفحه شخصی خود خطاب به محسن اژه ای، رئیس قوه قضائیه، از بی

اعتراض کادر درمان شرکتی یاسوج به عدم پرداخت حقوق معوقه روز شنبه ۲۷ شهریور جمعی از کادر درمان شرکتی شهرستان باشت یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. این نیروها که در شبکه بهداشت باشت جمع شده اند، می گویند: هفت ماه است که حقوق نگرفته ایم و چشم انداز شغلی ما روشن نیست؛ مشخص نیست چه زمانی می خواهند مطالبات مزدی ما را پرداخت کنند. یک ماه از سال قبل و شش ماه سپری شده از سال جاری، حتی یک ریال به حساب ما واریز نکرده اند و هر چه مراجعه می کنیم و به این مساله معترض می شویم، هیچ فایده ای ندارد. تعداد این نیروها حدود ۲۶ نفر است و از طریق آزمون به صورت شرکتی و با قرارداد یکساله جذب بخش خدماتی دانشگاه علوم پزشکی شده اند.

ممانعت از ورود کارکنان شرکتی مخابرات شوشتر به محل کار

روز شنبه ۲۷ شهریور از ورود جمعی از کارکنان شرکتی مخابرات شوشتر به محل کار ممانعت شد. این کارکنان که حاضر به امضای قراردادهای جدید از ابتدای سال نشده اند، می گویند: قراردادهای تنظیمی یکطرفه است و حقوق قانونی ما را در بر نمی گیرد. یکی از این کارکنان گفت: ما خواستار اجرای دقیق طرح طبقه بندی مشاغل و انعقاد قرارداد مستقیم با مخابرات هستیم؛ وقتی کار ما دائمی است، چرا باید شرکتی باشیم و کمتر از نصف رسمی ها حقوق بگیریم؟ این کارکنان پیشتر در زمینه اجرای طرح طبقه بندی، شکایاتی تنظیم و به مراجع ذیربط تحویل داده اند؛ حالا معتقدند؛ قراردادهای جدید غیر قانونی است و باید در آنها تجدیدنظر شود.

دور تازه تجمعات سراسری فرهنگیان

از روز شنبه ۲۷ شهریور تا پنجشنبه اول مهر دور جدید تجمعات سراسری فرهنگیان شروع شده است. تاکنون فرهنگیان در شهرهای تهران، کرج، قم، قزوین، همدان، کرمانشاه، خرم آباد، شهرهای خوزستان، سنندج، مشهد، شهرهای استان فارس، کهکویه بویر احمد، الیگودرز، اصفهان، آبادان، ایلام، البرز، ایذه، شاهرود، تبریز، زنجان، کوهدشت و شیراز در اجتماعات اعتراضی مقابل اداره کل آموزش و پرورش شرکت کردند. معلمان شاغل و بازنشسته خواهان اجرای طرح رتبه بندی به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی برای معلمان شاغل، اجرای همسان سازی حقوق برای معلمان بازنشسته و تحقق دیگر خواسته های خود هستند. همچنین در فراخوان تازه روز سوم مهر ۱۴۰۰ را بعنوان تجمع سراسری گسترده تعیین کردند.

خواستهای اجتماعات روز سوم مهر عبارت از:

آزادی معلمان زندانی! اجرای قانون رتبه بندی! همسان سازی حقوق بازنشستگان! تهیه گوشی موبایل دانش آموزان و معلمان! هر میز و نیمکت برای یک دانش آموز! توزیع روزانه ماسک و الکل برای دانش

ستون اخبار کارگری

و حرکت‌های اعتراضی ...

توجهی قضایی نسبت به وضعیت وخیم بیماری امیرحسین مرادی انتقاد کرد. او ضمن انتشار تصویری از پای امیرحسین مرادی که شرایط ناگوار بیماری مولکش را نشان می‌دهد، در صفحه شخصی خود نوشته است: "امروز فرمودید که اگر در بازداشت اتفاقی برای زندانی بیفتد مسئولیتش با قضایی است! عرض می‌کنم بنده برای شما نامه نوشتم که حال مولکم وخیم است و قضایی توجهی نمی‌کند؛ دفتر شما توجهی نکرد! مسئولیت جان مولکم بر عهده کیست؟!"

تأیید حکم ۶ سال زندان اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی
شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی علیه اسماعیل گرامی را تأیید کرد. اسماعیل گرامی که روز ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ توسط مأموران امنیتی در منزل‌اش دستگیر شده و تاکنون در زندان به سر میبرد توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران در مجموع به ۶ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و جزای نقدی محکوم شده بود. اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته کارخانه کارتن سازی تهران است که تنها و تنها بخاطر دفاع از حقوق کارگران و بازنشستگان بازداشت شده و به حکم ضدانسانی زندان و شلاق محکوم شده است.

یورش نیروهای امنیتی به منزل پوران ناظمی

نیروهای امنیتی کرمان در موج جدیدی از سرکوب، به خانه پوران ناظمی، فعال مدنی یورش بردند و وسایل شخصی او از جمله کامپیوتر، تلفن همراه را ضبط کردند. پوران ناظمی در اینباره گفت: نیروهای امنیتی با فریب و بدون هیچ حکمی به منزل من یورش آوردند.

تفتیش منزل مریم رحمانی فعال حوزه زنان و احضار وی به دادسرا
صبح روز چهارشنبه ۲۴ شهریور مأموران امنیتی وابسته به قرارگاه ثارالله سپاه با حضور در منزل «مریم رحمانی» فعال حوزه زنان اقدام به تفتیش منزل و توقیف برخی از وسایل شخصی او از جمله تلفن همراه، لپ تاپ و کتاب کرده‌اند. مأموران امنیتی به این فعال مدنی گفته‌اند که با احضاریه‌ای که در دست دارد، می‌بایست طی روزهای آینده به مراجع ذیربط مراجعه کند.

تفهیم اتهام نگار مسعودی فعال حقوق زنان

نگار مسعودی عکاس مستند اجتماعی و فعال حقوق زنان که در تاریخ ۶ آبان ۱۳۹۹ در رابطه با برگزاری نمایشگاهی از مرضیه ابراهیمی قربانی اسیدپاشی و همچنین عکاسی از زنان کارتن خواب و دیگر فعالیت‌هایش در حوزه حقوق زنان بازداشت و پس از ۷۴ روز بازداشت در بند ۲ الف سپاه پاسداران، با تودیع وثیقه سنگین دو و نیم میلیاردی آزاد شده بود، جهت اخذ آخرین دفاع طی ابلاغیه‌ای به دادسرای شعبه ۲ اوین احضار و با دو عنوان "فعالیت تبلیغی علیه نظام" و "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" تفهیم اتهام شد.

افسانه عظیم‌زاده به دادسرا احضار و تفهیم اتهام شد

افسانه عظیم‌زاده فعال حوزه زنان و کودکان کار توسط شعبه ۲ بازپرسی دادسرای اوین احضار و اتهامات "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به وی تفهیم شد. افسانه عظیم‌زاده روز ۲۵ آذرماه ۹۹ در حالیکه مادرش را برای درمان به بیمارستان میلاد برده بود در همانجا توسط مأموران اطلاعات سپاه دستگیر شده و به بازداشتگاه ۲ الف واقع در زندان اوین منتقل شد. او پس از ۴۰ روز بازداشت با قرار وثیقه پانصد میلیونی به بطور موقت آزاد شد.

آزادی موقت امیر عباس آرموند

امیر عباس آرموند موقتا و با وثیقه سنگین پانصد میلیونی آزاد شد. وی پیامی بعد از آزادی برای انتشار عمومی منتشر کرد. متن پیام امیر عباس آرموند:

"من امروز در حالی آزاد شدم که بدون حمایت‌های گسترده ممکن نبود. بر خود لازم می‌دانم که از همه حامیانم به‌ویژه همکاران روزنامه‌نگارم و تشکل‌های کارگری و چپ و مترقی تشکر کنم. بدون شک در نبود این حمایت‌ها مشخص نبود در مقابل تلاش‌های به‌اصطلاح «تواب‌سازی جدید» چگونه برخورد می‌کردم. پروژه جدید به نظر می‌رسد تداوم و تشدید بند و بست از سوی نهادهای موازی امنیتی است. این تلاش‌ها تنها با ایستادگی همگانی شکست می‌خورد.

امیر عباس آرموند

۱ مهر ۱۴۰۰

آزادی امیر عباس آرموند را به خانواده و دوستان تبریک می‌گوئیم.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده
ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را
برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه
و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

انقلاب اجتماعی و کمونیسیم

جامعه آزاد کمونستی

با اندک تعمقی میتوان دید که چگونه جهان سرمایه داری جهانی وارونه است. رابطه میان کالاها مبنای رابطه میان انسان هاست. تلاش عظیم و هر روزه بشریتی که کار میکند و جهان را میسازد، خود را در سلطه روزافزون سرمایه بر هستی اش مجسم میکند. انگیزه فعالیت اقتصادی، تولید مایحتاج انسان ها نیست، بلکه سود آوری سرمایه است. رشد روزافزون تکنولوژی و دانش علمی و فنی که کلید سعادت و رفاه انسان است، در این نظام به بیکاری و محرومیت هرچه بیشتر صدها میلیون کارگر ترجمه میشود. در جهانی که نهایتاً بر دوش تعاون و تلاش جمعی ساخته شده است، رقابت سلطنت میکند. آزادی اقتصادی فرد جامعه ای است که بر ناگزیری حضور هر روزه اش در بازار کار پوشانده اند، آزادی سیاسی فرد، بی حقوقی و بی تأثیری سیاسی واقعی اش را میپوشاند و به دولت و حاکمیت سیاسی طبقه سرمایه دار مشروعیت میبخشد. قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد.

این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسیم کارگری است. این هدف انقلاب کمونستی طبقه کارگر است.

محور اساسی انقلاب کمونستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. انقلاب کمونستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه میدهد و نظام مزد بگیری را از میان بر میدارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی میدهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونستی است.

نه فقط تقسیم طبقاتی، بلکه تقسیم حرفه ای انسان ها از میان میرود. کلیه قلمروهای فعالیت خلاقه بر روی همگان باز میشود. شکوفایی هر فرد به شرط شکوفایی جامعه بدل میشود. جامعه کمونستی جامعه ای جهانی است. مرزهای ملی و کشوری محو میشود و جای آن را هویت جهانشمول انسانی میگیرد. جامعه کمونستی جامعه ای است بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسان ها.

از میان رفتن طبقات و تضاد طبقاتی، دولت را به پدیده زانندی تبدیل میکند. در جامعه کمونستی دولت زوال پیدا میکند. جامعه کمونستی جامعه ای است بدون دولت. امور اداری جامعه از مجرای تعاون، همفکری، ارتباط و تصمیم گیری جمعی کلیه اعضاء جامعه حل و فصل میشود.

جامعه کمونستی به این ترتیب برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان ها به معنی واقعی کلمه جامعه عمل میپوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.

جامعه کمونستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیک و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونستی است.

سرمایه داری خود آن نیروی عظیم اجتماعی را که میتواند این افق رهایی بخش را عملاً متحقق سازد شکل داده است. قدرت شگرف سرمایه که در مقیاس جهانی گسترده است، انعکاس قدرت یک طبقه کارگر جهانی است. جامعه کمونستی محصول انقلاب کارگری برای خاتمه دادن به نظام بردگی مزدی است. به این اعتبار انقلاب کارگری انقلابی اجتماعی است که بناگزر کل بنیاد مناسبات تولید را دگرگون میکند. طبقه کارگر، برخلاف کلیه طبقات فرودست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد کند. جامعه کمونستی اتویی نیست، بلکه محصول و هدف مبارزه یک طبقه عظیم اجتماعی علیه سرمایه داری است. مبارزه ای زنده و واقعی و جاری، که به قیمت خود جامعه بورژوازی است.*

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب



جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهیم!

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم،
بدون «خطر» سوسیالیسم،
به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

نقد کتاب توماس پیکنی

سرمایه

در قرن بیست و یکم

حسین برادینی



بحث رابطه ویژه سرمایه با کار، فئودهای مستعده اقتصاد داناان بورژوا ازجمله پروژه پیکنیش است در کتابش مشکل آنها معرفی نیست که گویا از منشاء سود و ثروت بورژوازی بی اطلاعند. "علم" اقتصاد بورژوازی که کارش کتمان منشاء سود و ثروت بورژوازی از طبقه کارگر است به آنها میآموزد که چگونه اقتصاد سیاسی را از دید سرمایه دار بعنوان مجموعه ای از پول و کار و ابزار تولید آنچه که سرمایه دار روزانه با آن سرو کار دارد تحلیل کنند تا منشاء سود و ثروت بورژوازی را که چیزی جز استثمار طبقه کارگر نیست از این طبقه کتمان کنند...

حسین برادینی (ص ۱۰۰ سور)

سرمایه در قرن بیست و یکم

نقد کتاب توماس پیکنی

منتشر شد!

(تهیه کتاب در سوئد)

نقد کتاب توماس پیکنی

سرمایه در قرن بیست و یکم

نویسنده: حسین مراد بیگی (حمه سور)

برای تهیه این کتاب به شماره تلفنهای زیر ارتباط بگیرید

مهدی طاهری ۰۷۲۳۰۲۹۰۸۲

محمود محمدزاده ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

کریم نوری ۰۷۰۴۴۴۱۵۵۵

قیمت کتاب ۱۰۰۰۰ کرون سوئد، با هزینه پست ۱۴۰ کرون

هزینه به این شماره تلفنهای میتوانید سوبیش کنید و یا به شماره حساب زیر واریز کنید

P.G: 650 115 - 9 IKF

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
کمک مالی کنید!

زنده باد سوسیالیسم!